

## نقدی بر انکار اعتبار معجزه از سوی مدعیان دروغین معاصر<sup>۱</sup>

محمد شهبازیان<sup>۲</sup>؛ سید محمد حسین حسینی (بحر)<sup>۳</sup>

### چکیده

متکلمان و محدثان امامیه، «معجزه» را یکی از راه‌های تشخیص مدعی حق از باطل دانسته‌اند و این معیار، راه تشخیصی برای تمامی حجت‌های الهی، اعم از انبیا و امامان پس از رسول خدا ﷺ شمرده شده است. این مهم در زمان انبیای گذشته نقشی بسیار موثر داشته و در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام اهمیت بیش تری یافته است؛ چرا که در تشخیص مصداق حقیقی موعود جهانی و تمایز آن از مدعیان دروغین، ابزاری کارآمد و راهگشا است. با توجه به این جایگاه، مدعیان دروغین معاصر مهدویت، اعم از بهائیت، احمد اسماعیل بصری و منصور هاشمی خراسانی، تلاش کرده‌اند تا اعتبار معجزه برای تشخیص حجت الهی را منکر شوند و عدم قدرت خود را بر اعجاز توجیه کنند. این پژوهش تلاش کرده است با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی ادعاهای مزبور بپردازد و مغایرت آن را با خوانش صحیح از دین بیان کند. نتایج پژوهش پیش رو، آن است که دیدگاه مدعیان پیش گفته، افزون بر تناقض در گفتار و ادعا، با آیات قرآن، روایات و عقل مغایرت دارد و فهم غلطی از آیات «نفی قدرت اعجاز انبیای گذشته» صورت گرفته است.

**واژگان کلیدی:** معجزه، مدعیان دروغین، انکار اعتبار، معجزه، معاصر.

---

۱. این مقاله به همایش ملی «جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت در دوران معاصر و راهبردهای مواجهه با آن‌ها» ارائه شده است و با اجازه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ می‌شود.

۲. دانش آموخته حوزه علمیه قم و استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. [m.shahbazian@isca.ac.ir](mailto:m.shahbazian@isca.ac.ir)

۳. طلبه سطح سه حوزه علمیه مشهد مقدس [Hoseinibahr110@gmail.com](mailto:Hoseinibahr110@gmail.com)

## مقدمه

در مباحث کلامی، این نکته از گذشته مورد توجه بوده که امامت حق چه کسی است و چگونه می‌توان حجت الاهی را تشخیص داد؟ از این رو، اهل بیت علیهم‌السلام راه‌های شناخت حجت خدا و روش به کارگیری آن را مشخص کرده و ابزاری برای تمیز در اختیار شیعیان قرار می‌دادند. این مهم، حتی در میان برخی عالمان اهل سنت مطرح بوده و نویسندگانی مانند «متقی هندی» در کتاب «البرهان»، کوشیده‌اند با بهره‌گیری از منابع روایی، چگونگی تشخیص مدعی حقیقی از مدعی دروغین را بازگو کنند.

در دوران غیبت که دسترسی به امام معصوم علیه‌السلام مشکل است و وجود مدعیان دروغین را تجربه می‌کنیم، فهم معیارهای تشخیص حجت الاهی ضرورتی دوچندان می‌یابد. ظهور این مدعیان و آمیختگی شدید فرستاده‌های الاهی با افراد دروغگو، باعث شده است مردمان بیش از هر چیزی به دنبال ویژگی‌های مهم این دو دسته رفته و راه صحیح و غیرقابل جعلی را که فقط فرستاده‌های الاهی توان ارائه و معرفی آن را دارند؛ پیدا کنند و به آن متمسک گردند. در منابع امامیه با استناد به دلایل عقلی و نقلی، «معجزه» یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت مدعی صادق از مدعی کاذب است و به عبارتی، راهی متقن و غیرقابل جعل شناخته می‌شود و لذا این مسئله به این نکته منجر شده است تا برخی از مدعیان دروغین، سحر و شعبده را به جای معجزه معرفی کنند و یا این‌که اصل اعتبار معجزه و راه شناخت بودن آن را انکار کنند. نمونه این فرقه‌های معاصر، بهائیت، احمد اسماعیل بصری، مدعی یمانیت معاصر عراق و منصور هاشمی خراسانی است.

این جریان‌های انحرافی توانسته‌اند با شگردی مشابه و تحریف در معنای قرآن و روایات، برخی از افراد دین‌دار و جامعه منتظر را فریفته و امر را برای آنان مشتبه کند. در این نوشتار تلاش شده است با تبیین صحیح معنا و ویژگی‌های معجزه و اهمیت آن در راستی آزمایی مدعیان از منظر عقل، نقل و سیره علمای امامیه، به اشتراک فکری مدعیان دروغین معاصر با یکدیگر، بویژه گروه سیاسی بهائیت در حجیت زدایی از معجزه اشاره کرده و با نقد دیدگاه‌های مطرح شده توسط آنان، جایگاه معجزه در هندسه مباحث امامت به ویژه دوران غیبت را ثابت کنیم.

## پیشینه تحقیق

«معجزه» مؤلفه‌ای مورد اعتنا از منظر متکلمان و محدثان امامیه است و مسائلی مانند اثبات ضرورت معجزه از منظر عقل و نقل، ویژگی‌های معجزه و تمایز آن با سحر و شعبده و تمایز معجزه با کرامت در تشخیص نبی و امام؛ مورد توجه محافل علمی قرار گرفته است. پژوهشگران عرصه نقد فرقه‌های انحرافی نیز به تبیین این مهم پرداخته و مقالاتی در این زمینه نگارش کرده‌اند که نمونه‌ای از آن مقالات را می‌توان بدین عناوین برشمرد:

«بررسی تطبیقی جایگاه معجزه در ادیان آسمانی و بهائیت»، اثر سعیده زرگر آزاد و هدی تفضلی، فصلنامه بهائی‌شناسی زمستان ۱۳۹۶، شماره ۵؛ «تبیین نقش سلبی خوارق عادات در تشخیص مدعیان دروغین، اثر سعید بخشی، مشرق موعود، سال سیزدهم بهار ۱۳۹۸، شماره ۴۹؛ «نقد و بررسی بهره‌گیری از استخاره، معجزه و خواب در ادله مدعی یمانی بصری»، نوشته محمد شهبازیان و مهدی یوسفیان، فصلنامه انتظار موعود، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۳۹؛ «بررسی معیار تشخیص امام مهدی علیه السلام از مدعیان مهدویت هنگام ظهور» تألیف معصومه رضوانی و روح الله شاکری زواردهی، انتظار موعود، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۴۷.

این پژوهش، افزون بر مطالب پیش‌گفته، نکاتی را در زمینه تحقیق درباره معجزه در فرقه‌های انحرافی عنوان کرده است و تمایز خود را در موارد ذیل با مقالاتی که عنوان شدند، نشان می‌دهد:

**اولاً:** در نگاشته‌های پیشین تنها به یک فرقه پرداخته و به انکار معجزه، به عنوان ترفندی مشترک در میان برخی فرقه‌های معاصر توجهی نداشته‌اند؛

**ثانیاً:** نقد آنان بر تحلیل برخی از معجزات ارائه شده از جانب گروه‌های انحرافی بوده است؛ در حالی که در پژوهش پیش رو، به نقد زیربنای فکری آنان در عدم پذیرش معجزه، به عنوان راه شناخت پرداخته شده است. به عبارت دیگر، در تعدادی از مقالات پیش‌گفته، نقد صغروی صورت گرفته و در این جا تلاش بر نقد کبروی قضیه است؛

ثالثاً: در مقالات دیگر، به بررسی دیدگاه منصور هاشمی خراسانی پرداخته نشده و با توجه به وسعت تبلیغی وی به تحلیل دیدگاهش نیاز احساس می‌شود که در مقاله پیش رو، به این مهم پرداخته شده است.

### چیستی معجزه

«معجزه»، از ماده «عجز» است و عجز، یعنی ناتوانی<sup>۱</sup> و معجزه، به معنای کاری است که دیگران در مقابل آن ناتوانند و کسی دیگر قادر به انجام دادن آن نیست.<sup>۲</sup>

خواجه نصیر الدین طوسی و علامه حلی، معجزه را کارهای عجیب و خارق العاده‌ای دانسته‌اند که دیگران از آوردن آن ناتوان باشند و این عجز، در هر دو بُعد اثباتی و سلبی وجود داشته باشد. مراد از ساحت اثباتی، آن است که پیامبران کارهای خارق العاده‌ای انجام دهند که دیگران از انجام دادن آن ناتوانند؛ مثل تبدیل عصای چوبین به اژدها و قسمت سلبی، به معنای کارهایی است که عادت مردم به انجام دادن آن تعلق گرفته است و به طور معمول آن را انجام می‌دهند؛ اما پیامبران آن عادت را می‌شکنند و کاری می‌کنند که بشر از انجام دادن این فعل معتاد عاجز شود؛ برای مثال، به قدرت الهی کاری کنند که يك قهرمان نامی، از حمل يك شمشیر ناتوان بماند.<sup>۳</sup>

آیت الله خویی نیز معجزه را گواه صدق مدعی مقام الهی می‌داند و خصوصیت آن را چنین معرفی می‌کند که بایستی بر خلاف قوانین خلقت و خارج از مسیر عادی و طبیعی بوده باشد و دیگران از انجام دادن آن عاجز باشند.<sup>۴</sup> همچنین علامه مجلسی هفت شرط برای معجزه بر شمرده است:

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۳۲.

۲. طریحی، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۲۴-۲۵.

۳. علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۱۵۸.

۴. خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۳.

۱. از افعال خدا یا چیزی معادل آن باشد؛ ۲. خارق العاده باشد؛ ۳. قابل معارضه نباشد و لذا سحر و شعبده معجزه نیستند؛ ۴. با تحدی باشد؛ ۵. با ادعا موافق باشد؛ ۶. تکذیب کننده او نباشد؛ ۷. معجزه باید از ادعای نبوت متأخر یا همراه آن باشد، نه قبل از آن، و مشهور این است که امور خارق العاده قبل از ادعای نبوت، کرامات و مقدمات نبوت هستند.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب ذکر شده، در معجزه لازم است فعل و عملی در برابر چشمان تعدادی از مخالفان صاحب دعوت صورت پذیرد، تا دلیلی بر حقانیت امر مدعی باشد، و بتوان درستی و نادرستی آن را تشخیص داد.

«معجزه» با همین عبارت در قرآن ذکر نشده است و عبارت‌های هم خانواده آن نیز در معنای لغوی به کار رفته‌اند و قرآن کریم معنای اصطلاحی معجزه را با عباراتی مانند «آیه»، «بینه»، «برهان» و «سلطان» ذکر کرده است.<sup>۲</sup> آیات قرآن تصریح دارند که «معجزه» یکی از برهان‌های انبیای الهی بوده است: ﴿فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ﴾؛ این دو [= معجزه عصا و ید بیضا] برهان روشن از پروردگارت به سوی فرعون و اطرافیان اوست<sup>۳</sup> و گاهی حجت‌های الهی ابتدا آن را برای اثبات درستی رسول بودنشان به مردم و بزرگان قوم نشان داده‌اند: ﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾؛ و [او را به عنوان] رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل [قرار داده است که به آن‌ها می‌گوید: من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد]<sup>۴</sup> و در مواردی دیگر در پاسخ به درخواست مردم، معجزه‌ای را به نمایش گذاشته‌اند: ﴿قَالَ أَنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا أَنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ فَاَلْقَىٰ عَصَاهُ هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ\* وَ نَزَعَ يَدَهُ فَادَا هِيَ بَيْضَاءُ

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۲۲؛ ر.ک: طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۷۳ و طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ص ۲۵۰.

۲. اخوان مقدم، اعتبارسنجی تعاریف «معجزه» در منابع اسلامی، با محوریت قرآن کریم، ص ۱۰.

۳. قصص: ۳۲.

۴. آل عمران: ۴۹.

لِلنَّاطِرِينَ﴾؛ [فرعون] گفت: «اگر نشانه‌ای آورده‌ای، نشان بده؛ اگر از راستگویانی، [موسی] عصای خود را افکند؛ ناگهان اژدهای آشکاری شد و دست خود را [از گریبان] بیرون آورد؛ سفید [و درخشان] برای بینندگان بود!»<sup>۱</sup>.

نام بردن معجزه با عبارت «برهان» و «بینه» در آیات قرآن نشان از جایگاه این مقوله در اثبات حجت الاهی دارد. برهان، نشانه صدق و تأکیدی‌ترین دلیل است<sup>۲</sup> که به روشنی حق را از باطل مشخص می‌کند.<sup>۳</sup> «بینه» نیز به آن معنا اراده شده و مفسران بر آنند که شفافیت در معنا و قوت استدلال از ویژگی‌های «برهان» و «بینه» است.<sup>۴</sup> به همین دلیل، خدای متعال انبیای خود را به ابزار مجهز کرده است.<sup>۵</sup>

در روایات نیز معجزه راهی برای تشخیص درستی و نادرستی دعوت حجت الاهی از مدعیان دروغین است. بنابر مطالبی از حضرت علی علیه السلام، معجزه حجتی برای اثبات امامت است<sup>۶</sup> و حضرت رضا علیه السلام معجزه را حجت و دلیل حضرت موسی علیه السلام دانسته است.<sup>۷</sup>

امام صادق علیه السلام در بیانی صریح، معجزه را دلیل دانسته و در پاسخ ابوبصیر که پرسیده است: به چه دلیل خدای متعال به انبیای خود و رسولانش معجزه را عطا نموده است؛ فرموده‌اند: «لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَى صِدْقِ مَنْ أَتَى بِهِ وَ الْمُعْجِزَةُ عَلَامَةٌ لِلَّهِ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلُهُ وَ حُجَجَهُ لِيُعْرَفَ بِهِ صِدْقُ الصَّادِقِ مِنْ كَذِبِ الْكَاذِبِ»؛<sup>۸</sup> تا دلیل باشد بر صدق آورنده آن. سپس فرمودند: «معجزه، علامت و نشانه است بر حق تعالی و آن را فقط به انبیا و رسولان و حجت‌هایش عطا می‌فرماید، تا راست‌گو از دروغ‌گو مشخص شود».

۱. اعراف: ۱۰۶-۱۰۸.

۲. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۲۱.

۳. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۳.

۴. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۹۹.

۵. اعراف: ۷۳ و ۱۰۵.

۶. صدوق، ص ۲۷.

۷. همان، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۶.

۸. همان، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲۲.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه «قاصعه» به وضوح اشاره کرده‌اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از درخواست معجزه‌ای از ایشان و حتی تعیین نوع معجزه توسط مشرکان، درخواست آنان را نفی نکرد و همان معجزه را به آنان نشان دادند.<sup>۱</sup> بنا بر این گزارش، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها برای آنان آنچه خواسته بودند، ارائه کردند، بلکه بهانه‌های آنان را نیز برای اتمام حجت، اجابت کردند. در این گزارش عنوان شده است، مشرکان ابتدا در خواست کنده شدن و آمدن درخت را داشته و پس از آن بهانه جویی کردند و دو نیم‌شدن آن را درخواست کردند و باز هم بهانه آوردند و گفتند که نیمه‌های جدا شده درخت به هم پیوند بخورند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تمامی خواسته‌های آنان را انجام دادند تا هیچ بهانه‌ای برای مشرکان نباشد.<sup>۲</sup> حضرت مهدی علیه السلام در پاسخ به سوال «احمد بن اسحاق قمی» در چگونگی شناخت درستی یا نادرستی ادعای امامت جعفر کذاب، به این امر رهنمون کرده که دلایل اثبات امامت، «علم»، «عصمت»، «دارابودن نص» و «معجزه» است.<sup>۳</sup>

با این وصف، عالمان امامیه بر دلیل بودن معجزه در شناخت حجت الهی تصریح کرده‌اند. شیخ مفید معتقد است که در کنار وجود نص و روایت‌های نقل شده در کلام ائمه گذشته، معجزه یکی از راه‌های کشف حقانیت حجت الهی و تشخیص صدق گفتار مدعی مهدویت می‌باشد.<sup>۴</sup> ابن‌قبة در پاسخ به این سوال معتزله که چگونه حضرت مهدی علیه السلام را در زمان ظهور خواهید شناخت؛ معجزه را راه شناسایی ذکر می‌کند و آن را بر ارائه نص ترجیح داده است.<sup>۵</sup> سپس به این بحث می‌پردازد که اگر چه آوردن معجزه در نگاه اول لزوم ندارد؛ اگر تردید با نص حل نشود، لازم است که امام اظهار معجزه کند.<sup>۶</sup> این سخن را شیخ طوسی<sup>۷</sup> نیز مطرح کرده است.

۱. شریف‌الرضی، نهج البلاغه، ص ۳۰۲.

۲. همان.

۳. طوسی، الغیبة، ص ۲۸۷.

۴. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۲؛ شیخ مفید، المسائل الجارودیه، ص ۴۶؛ همان، الفصول العشرة فی الغیبة، ص ۱۲۳ و همان، اوائل المقالات، ص ۳۹.

۵. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۶۱.

۶. همان.

۷. طوسی، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، ص ۱۶۰.

ابوالصلاح حلبی تصریح دارد که برای تمییز وی جز به واسطه معجزه یا نصی که به معجزه مستند باشد راهی وجود ندارد.<sup>۱</sup> وی در جای دیگر، به چگونگی دلالت معجزه بر امامت امامان دوازده‌گانه شیعه پرداخته و نمونه‌هایی را بیان کرده است. در کلام وی، معجزه، اصل و نص، متفرع بر آن دانسته شده است. وجه آن این است که وی رهبری مورد بحث را به گونه‌ای مطرح کرده است که هر یک از نبوت و امامت مصداق آن می‌باشد. بدیهی است چنین تصویری از رهبری الهی، قبل از هر چیز، از طریق معجزه قابل اثبات است.

از عبارت علامه حلی نیز به دست می‌آید که معجزه راهی مستقل و معادل نص در تعیین امام می‌باشد؛ چنان که گفته است:

قالت الامامیه: لا طریق اليها الا النص بقول النبي ﷺ او الامام المعلوم امامته بالنص، او بخلق المعجز على يده؛ عقیده امامیه بر این است که برای اثبات امامت، راهی جز نص، از پیامبر ﷺ یا از امامی که امامت او با نص نبوی ثابت شده است؛ یا آفریدن معجزه به دست او وجود ندارد.<sup>۲</sup>

محقق حلی نیز گفته است:

«قالت الامامیه: لا طریق الى تعيينه الا النص و المعجزه؛ امامیه اجماع دارد که برای شناخت حجت الهی، راهی جز نص و معجزه نیست».<sup>۳</sup>

این اعتقاد در مقام واقع نیز به کار رفته و در سیره عملی عالمان امامیه، این روش مرسوم بوده و در واقعه منصور حلاج، علی بن بابویه روش طلب اعجاز را به کار برده و با این عمل، حلاج را رسوا کردند و چون آن عالمان دینی اهل شناخت معجزه از سحر و شعبده بودند، حلاج توانایی فریب را از دست داده بود و رسوا گردید.<sup>۴</sup>

۱. حلبی، تقریب المعارف، ص ۱۵۱.

۲. علامه حلی، الألفین فی إمامة مولانا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)، ص ۳۵.

۳. محقق حلی، المسلك فی أصول الدین، ص ۲۱۰.

۴. طوسی، الغیبة، ص ۴۰۱.

در این میان، فرقه‌های انحرافی به دلیل عدم توانایی بر ارائه معجزه و عملی خارق العاده به نفی جایگاه معجزه اقدام و عنوان می‌کنند که به اعجاز در شناخت حجت الهی نیازی نیست و مردم حق ندارند آن را از مدعی امامت طلب کنند. مهم‌ترین جریان‌های انحرافی که به این ترفند تمسک کرده‌اند، عبارتند از: «بهائیت»، «مدعی یمانی؛ احمد اسماعیل بصری» و «منصور هاشمی».

این تعداد از گروه‌های انحرافی بر خلاف قواعد پیش‌گفته در اثبات جایگاه معجزه برای شناخت حجت الهی، به انکار ضرورت معجزه در شناخت مدعی نبوت و امامت پرداخته و دلایلی برای اعتقاد خود به کار گرفته‌اند. در ادامه به نقد و تبیین دلایل آنان اشاره خواهیم کرد.

### دیدگاه بهائیت در باره معجزه

بنیانگذار آیین بهائی، «میرزا حسینعلی نوری» است که در میان مریدان خود، به بهاءالله موسوم گردیده است. آنان نام آیین خود را از عنوان وی انتخاب کرده‌اند و در واقع، انشعابی از بابیت به بنیان گذاری علی محمد شیرازی، ملقب به «باب»، محسوب می‌گردند. بهائیان این آیین را دین می‌خوانند؛ ولی عمدتاً عالمان دینی مسلمان آن را به رسمیت نشناخته‌اند و آن را فرقه‌ای منحرف می‌شمارند و معمولاً تعبیر «فرقه ضاله» را برای آن به کار می‌برند.<sup>۱</sup>

ابوالفضل گلپایگانی، مبلغ شناخته‌شده بهائیان که در جهت تعمیق افکار بهائی و همخوان نشان دادن آن با مبانی شیعی، تلاش بسزایی داشته و تمام توان خود را برای موجه جلوه دادن این فرقه طبق مبانی شیعی به کار گرفته است؛ نسبت به مسئله معجزه ادعای عجیبی داشته و معجزه را از دلایل ثانویه دانسته که جنبه دلیل و استدلال نداشته و برای کشف حجت الهی فایده‌ای بر آن مترتب نیست. وی می‌نویسد:

چون دلالت معجزات و خوارق عادات، از قبیل ادله ثانویه و مویدات است که بالذات دلالتی بر صدق مدعی ندارد؛ به خلاف کتاب که دلالت آن بر صدق ادعا دلالت اصلیه

۱. میرسلیم، دانشنامه جهان اسلام، ص ۲۲۰۶.

اولیه مرتبطه است؛ لذا حق جل جلاله آیات کتاب را حجت بالغه مقرر داشت و هدایت عباد را در آن ودیعه نهاد.<sup>۱</sup>

وی ادعا دارد که اگر معجزه حجت بود، چرا حضرت محمد ﷺ به معجزه برای اثبات نبوت خود استدلال نکرده است<sup>۲</sup> و انبیای الهی در برابر درخواست مردم سخن از عدم امکان معجزه توسط آنان را مطرح کرده و قدرت معجزه را تنها به اذن الهی دانسته‌اند و خود را تنها انذار دهنده‌ای فرستاده شده از جانب خدا معرفی می‌کردند؟<sup>۳</sup>

نکته قابل توجه این است که اساساً گلیایگانی می‌کوشد معجزه نداشتن بزرگان خود را توجیه کند و آن را امری طبیعی و غیر لازم جلوه دهد. میرزا حسینعلی نوری در کتاب ایقان خود نیز با نقل ماجرای، آوردن معجزه را غیر لازم می‌داند و تأکید خود را بر کتاب و نوشته‌ها اظهار می‌سازد.<sup>۴</sup> بنابراین، عجیب نیست که گلیایگانی تمام تلاش خود را در این زمینه صورت داده و مسئله مهمی همانند معجزه را از حجیت ساقط و غیر لازم و دلیل ثانوی دانسته و به انگیزه جهت دفاع از بزرگان خود، به مخالفت با ائمه اطهار (ع) اقدام کرده است.

### دیدگاه مدعی یمانی معاصر درباره معجزه

یکی از فرقه‌های انحرافی عصر حاضر، جریان انحرافی «احمد اسماعیل بصری»، موسوم به «احمد الحسن» می‌باشد که بیش از بیست سال در کشورهای منطقه به تبلیغ و ترویج افکار و آرای انحرافی خود پرداخته است و جزو پر ادعاترین فرقه‌های طول تاریخ محسوب می‌شود<sup>۵</sup> وی که با ادعاهایی نظیر امامت، مهدویت، نبوت، عصمت و ده‌ها ادعای دیگر، نامش را در لیست پر ادعاترین مدعیان دروغین ثبت کرده و در مورد معجزه، همانند فرقه بهائیت در انکار حجیت آن تلاش کرده است و آن را از حجیت ساقط می‌کند.

۱. گلیایگانی، الفرائد، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۸۳.

۳. همان، ص ۴۶ و ۷۴.

۴. نوری، ایقان، ص ۲۹.

۵. رک: شهبازیان، افسانه، سلمان پور، رسول ابلیس و هوشیار، درسنامه نقد و بررسی جریان احمدالحسن بصری.

همان طور که گلپایگانی، با ترفندی در بی‌نیاز دانستن مدعی از معجزه سعی و تلاش ورزیده است؛ این ترفند عیناً در جریان احمد اسماعیل بصری نیز به کار برده شده و با همین شیوه تلاش دارند که حجیت معجزه در اثبات حجت الهی را با تردید مواجه کنند. آن‌ها پذیرفته‌اند که معجزاتی برای انبیای الهی وجود داشته‌اند؛ اما این معجزات، برهان، دلیل و راهی برای شناخت نیستند و تنها از زمره مؤیدات محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup> استدلال جریان مدعی یمانی چنین است که اگر معجزه حجت بود، بایستی انبیای الهی آن را در اثبات دعوت خود به کار می‌بردند و مدعی‌اند که هیچ یک از انبیای الهی چنین کاری نکرده است.<sup>۲</sup> به بیان دیگر، آنان معتقدند که دو نوع معجزه داریم: «معجزه قاهره» و «معجزه غیر قاهره». مراد از «معجزه قاهره» این است که هیچ جای شبهه‌ای برای عدم قبول، باقی نمانده و لازمه‌اش، ایمان جبری و قهری خواهد بود. احمد اسماعیل این معجزه و ایمان پس از آن را مفید ندانسته و آن را با حکمت الهی در تعارض می‌داند؛ چرا که ایمان جبری از دل نبوده و ایمان به غیب محسوب نمی‌گردد. نمونه آن را عدم پذیرش ایمان فرعون در زمان بسته شدن آب دریا می‌داند.

در برابر، «معجزه غیر قاهره»، به معنای معجزه‌ای است که می‌توان در آن شبهه کرد و آن را باطل دانست و هیچ جبری برای فرد بیننده ایجاد نمی‌کند. وی، این نوع از معجزه را مستقلاً مفید ایمان نمی‌داند؛ چرا که مردم احتمالاتی مانند سحر بودن یا شعبده بودن آن را می‌دهند و لذا و نمی‌توان به جای دلیل از آن استفاده کرد و تنها موید برای نصی است که بر حجت الهی وارد شده است.<sup>۳</sup>

### گروه التقاطی منصور هاشمی

علیرضا بابایی آریا (متولد ۱۳۶۳ش)، متولد تهران و ساکن افغانستان، با نام مستعار «منصور هاشمی خراسانی»، فعالیت خود را در سال (۱۳۸۵ش) آغاز نموده و در سال (۱۳۹۱ش) از گروه

۱. احمد اسماعیل، عقائد الاسلام یلیه یسالونک عن الروح، ص ۱۰۹ و الحسانی، جایگاه معجزه مادی در دین الهی، ص ۸۹.

۲. الحسانی، همان، ص ۹۲.

۳. احمد اسماعیل، عقائد الاسلام یلیه یسالونک عن الروح، ص ۱۰۰، ۱۰۹.

التقاطی «نهیضت بازگشت به اسلام» پرده برداری کرد. وی تحصیلات خود را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، در رشته الهیات و معارف اسلامی، با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی تا مقطع دکتری ادامه داد.<sup>۱</sup> این شخص مدعی است که وی در حال حاضر، از جمله «مهدیون» نجات بخش و زمینه ساز ظهور است<sup>۲</sup> و با توجه به این که هیچ از یک از مذاهب موجود شیعه و سنی حق نیستند و بلکه خرافه‌گرا هستند؛<sup>۳</sup> اسلام حقیقی نزد وی به ودیعه گذارده شده و او به بازگرداندن امت اسلام به عقاید خالص اسلامی موظف است!<sup>۴</sup> این مدعی، نگاهی همانند قرآن بسندگان دارد و معتقد است به هیچ عنوان نمی‌توان به سنت رسول خدا ﷺ از طریق عموم احادیث و روایات دست یافت و تنها روایت متواتر می‌تواند راهنمای سنت نبوی باشد که با توجه به نادر بودن تعداد روایات متواتر، عملاً باید از گزارش‌های حدیثی چشم‌پوشی کرد.<sup>۵</sup>

منصور هاشمی خراسانی، اگر چه اجمالاً پذیرفته است که معجزه راه شناخت حجت الاهی است؛ تفصیلی و قیودی برای آن قائل شده است. وی «نص» را مهم‌ترین راه شناخت حجت الاهی دانسته است و «معجزه» را در زمانی که امکان اشاره مستقیم (نص) به حجت الاهی مقدور نباشد، ابزار شناخت می‌داند.<sup>۶</sup> برای تبیین این سخن، وی میان شناخت حضرت محمد ﷺ و حضرت مهدی ﷺ با یازده امام دیگر پس از پیامبر خدا ﷺ وجه تمایز قائل شده است. وجه تمایز این است که حضرت محمد ﷺ و حضرت مهدی ﷺ، نص عام از زمان حجت‌های الاهی قبل از خود داشته‌اند؛ اما این که مصداق آن چه کسی است، دیگر با نص عام قابل تشخیص نبوده است. به عبارتی، می‌دانیم که پیامبری به نام «محمد» توسط

۱. محمدی هوشیار، تو هم بازگشت، ص ۴۳.

۲. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۱۷۰.

۳. همان، ص ۹۱ و ۹۲.

۴. همان، ص ۲۷۸.

۵. همان، ص ۲۰۷، ۱۴۲-۱۴۵، ۱۹۰-۱۹۴ و ۲۱۳.

۶. مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۰۴.

حضرت عیسی معرفی شده است؛ اما این که مصداق خارجی آن چه کسی است، با این نص عام قابل تشخیص نیست. از این رو، شخص مدعی باید برای اثبات ادعای خود معجزه ارائه کند؛ بر خلاف یازده امام دیگر که چون امام قبل از آن‌ها بلافاصله بر آنان اشاره کرده است، دیگر به معجزه نیازی ندارند و صرف نص کفایت می‌کند.<sup>۱</sup> لذا تأکید دارد که «معجزه» راه شناخت پیامبران است؛<sup>۲</sup> اما راهی برای شناخت ائمه علیهم‌السلام محسوب نمی‌شود و طلب معجزه از مدعی عصمت را نشانه جهل مردم و اعتقاد آنان به خرافه‌گرایی دانسته و می‌نویسد:

بنا بر آنچه از تاریخ ثابت است، پیشوایان اهل بیت، انسان‌هایی دانا و وارسته بوده‌اند که در ظاهر با دیگران تفاوتی نداشته و مدعی معجزه و علم غیب نبوده‌اند.<sup>۳</sup>

وی در جای دیگر از مکتوبات خود، این سخن را بیش‌تر تفسیر کرده و معتقد است، کراماتی هم که به آن‌ها نسبت داده شده، توسط غالیان برای آن‌ها ساخته شده است.<sup>۴</sup> همچنین مدعی شده است که هیچ‌یک از عالمان گذشته تا زمان شیخ طوسی این دیدگاه را نداشته و این مسئله از موهومات شیعیان پس از این عالمان است. از این رو، طلب کردن معجزه از خودش را که ادعای امامت و نبوت ندارد، عمل ناصبیان امت! و<sup>۵</sup> خرافه‌گرایان دانسته است.<sup>۶</sup>

در مقابل این سخنان، مهم‌ترین راه شناخت و تطبیق عنوان «مهدی» به عنوان موعود آخرالزمان و امام دوازدهم بر مدعی راستین مهدویت را «معجزه» دانسته و مدعی است که نه تنها

۱. همان.

۲. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۱۷۶.

۳. همان، ص ۹۱.

۴. مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۰۴.

۵. همان.

۶. همان، ص ۹۱.

ایشان از طریق معجزه شناخته می‌شود، بلکه زمینه‌سازان پیش از وی مانند «خراسانی» نیز با معجزه «کف دستی در آسمان» شناسایی خواهد شد.<sup>۱</sup> نکته این‌که «احمد اسماعیل بصری» مدعی یمانی را بدین دلیل باطل دانسته که نمی‌تواند معجزه‌ای ارائه کند.<sup>۲</sup>

وی صراحتاً در کتاب دیگر خودش، اذعان می‌دارد که دجال نیز دارای معجزه بوده است و حتی به مریدان خود هشدار می‌دهد که اگر از آنان معجزاتی شنیدید و یا با چشم‌های خود دیدید، باز هم منکر شوید.<sup>۳</sup> جالب توجه است که منصور هاشمی در پاسخ به سؤال یکی از مریدان خود، وقتی از علت داشتن معجزه توسط دجال می‌پرسد، می‌گوید:

«برای این‌که بداند چه کسی از پیامبر پیروی می‌کند و چه کسی به پشت سرش بر می‌گردد».<sup>۴</sup> او در حالی معجزه را به فرستاده خداوند منحصر دانسته است که همان را برای دجال - که بطلانش واضح است - موجود دانسته و همچنین به نوعی اصالت و دلیل بودن معجزه را با تردید مواجه می‌کند؛ چرا که اساساً داشتن نشانه‌ای از سمت خدا به دست شخصیتی گمراه و باطل (دجال) مصونیت این طریق (معجزه) را از بین برده و آن را از اعتبار ساقط می‌کند. در واقع، اشکال اصلی در این قسمت به اشتراک معجزه میان مدعی دروغین (دجال) و مدعی راستین (حجت‌الاهی) در کلام منصور هاشمی ناظر است؛ یعنی در باور او، با معجزه نمی‌توان مدعی مقام‌الاهی را راستی آزمایی کرد؛ چرا که معجزه بین مدعیان حقیقی و دروغین مشترک است.

### نقد دیدگاه‌های موجود

با توجه به نکاتی که درباره معجزه از منظر قرآن و روایات ذکر شده است؛ پر واضح است که برای ایجاد شبهه عدم استقلال معجزه در کشف حجت‌الاهی، جایی باقی نمی‌ماند. در آیات پیش‌گفته خدای متعال تصریح کرده که معجزه «برهان» و «بینه» است و حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام

۱. همان، ص ۱۸۳.

۲. همان.

۳. هاشمی، مناہج الرسول، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۴. همان، ص ۲۱۵.

دلیل اولیه خود را در مقابله با فرعون معجزه قرار داده است. در نمونه دیگر، حضرت صالح عليه السلام معجزه را دلیل دانسته و آن را حجتی گویا و کامل معرفی کرده است؛ به گونه‌ای که بعد از بی‌حرمتی مردم سرزمینش به ناقه صالح، بر آنان عذاب الهی وارد شد.

در روایات نیز بر دلیل بودن معجزه تصریح شده و از منظر عقل، همان دلایل لزوم معجزه برای انبیای الهی در مورد اوصیای پس از آنان جاری و ساری است.

در برخی از آیات دیگر نیز اشاره شده است که حضرت موسی عليه السلام بعد از درخواست معجزه از جانب فرعون، قدرت‌های الهی خود را به نمایش گذارد و محتوای گفت‌وگوهای صورت گرفته، به صراحت، دیدگاه قائلان به عدم لزوم ارائه معجزه با درخواست مردم را رد می‌کند. البته عالمان امامیه و مفسران بدین نکته توجه داده‌اند که اگر چه ارائه معجزه برای شناخت لازم است؛ انکار آن توسط بهانه‌جویان و تکرار چندباره آن لزومی ندارد و لازم نیست با هر درخواستی معجزه‌ای ارائه گردد.<sup>۱</sup>

افزون بر نکات پیش گفته به موارد ذیل باید توجه کرد:

۱. با توجه به روایت‌های متقن و خطبه قاصعه، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات ادعای نبوت خود معجزه ارائه کردند. لذا این سخن بهائیت که مدعی عدم ارائه معجزه توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شده‌اند؛ سخنی بی‌دلیل، بلکه خلاف ادله است.

برای ردّ این ادعا کافی است به معجزات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در جلد هفدهم کتاب بحارالانوار<sup>۲</sup> عنوان شده است، اشاره شود و سپس دلیل ادعایی بهائیان در عدم ارائه معجزه توسط حضرت نبی مکرم اسلام را جویا گردید؛ ضمن این که ائمه معصوم علیهم السلام از این قاعده مستثنا نبوده‌اند و از آنان نیز به وفور معجزاتی نقل شده است که سید هاشم بحرانی در هشت جلد، تحت عنوان «مدینه معجزات الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر» به ذکر معجزات ایشان پرداخته است.

۱. غافر: ۷۸.

۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۷، ص ۵۹.

۲. ادعای احمد بصری در تقسیم معجزه به «معجزه قاهره» و «معجزه غیر قاهره» و تعریف آن، سخنی بدون دلیل و مخالف مبانی است؛ چرا که بنابر ادعای وی هیچ معجزه «قاهره‌ای» که کسی از بهانه جویان ردی بر آن نیاورد، وجود نخواهد داشت و مصداق خارجی ندارد. به یقین دریافته‌ایم که بنابر گزارش‌های تاریخی، معجزه‌ای نبوده است؛ الا این که بهانه جویان و مخالفان انبیا به دلیل یا دلایل واهی آن را رد کرده‌اند.

۳. نکته دیگر این که احمد بصری میان معجزه آشکار و روشن و مسئله جبر در اراده خلط کرده است. او گمان می‌کند اگر معجزه کاملاً شفاف باشد، پیروش مجبور و در پذیرش، فاقد اختیار خواهد بود و آن را خلاف لطف الهی دانسته است؛ در حالی که تلازم ذکر شده با هیچ دلیل عقلی و نقلی قابل اثبات نیست و بر خلاف گفته‌های احمد بصری، معجزه باید مانند برهان، آشکار و شفاف باشد و همانند نص بر امامت است تا بتوان به واسطه آن احتجاج و محاسبه اخروی را اجرا کرد. خدای متعال تصریح دارد که معجزات نه‌گانه حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، حجت را بر مخالفان حضرت موسی تمام کرد و آن‌ها با دیدن معجزات یقین داشتند که ایشان حق است و اگر ایمان می‌آوردند، خدا از آنان می‌پذیرفت؛ اما هوای نفس اجازه نداد ایمان بیاورند و لذا بهانه جویی کردند.<sup>۱</sup> با این وصف، بنابر تعریف احمد بصری از معجزه قاهره، این معجزات نه‌گانه معجزه قاهره‌اند که بینندگان به آن‌ها یقین داشته‌اند؛ در عین حال، خداوند ایمان آنان را پذیرفته است.

باید از احمد بصری پرسید، آیا خدای متعال ایمان ساحران مخالف حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را بعد از دیدن معجزه نپذیرفت؟!، در حالی که این معجزه برای ساحران، قاهره بود و آنان در حقایقیت عمل حضرت موسی تردید نکردند و با این معجزه به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام ایمان آوردند.

همچنین باید پرسید، مراد از نص بر امامت چیست؟ اگر نص بر امامت دلیل برهانی و آشکار است و راه را به صورت آشکار برای مردم روشن می‌کند؛ آیا ایمان مردم به واسطه نص، باطل و

۱. ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ \* وَجَعَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾ (نمل: ۱۳ و ۱۴).

خارج از اراده است؟ آیا چون نص آشکار و برهان قاطع بر ولایت حضرت علی علیه السلام وجود دارد، پس ایمان شیعیان، ناقص و باطل است؟

همچنین باید از احمد بصری و اتباعش پرسید که قرآن را معجزه «قاهره» می دانند یا «غیر قاهره»؟ اگر معجزه قاهر است؛ چرا خدای متعال ایمان به واسطه آن را می پذیرد و ایمان را بر مبنای جبر نمی داند و اگر معجزه غیر قاهر است، پس چگونه آن را عامل هدایت و دلیل درستی نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است و با آن تحدی می کند؟ آنچه گفته شد، تنها بخشی از اشکالاتی است که می توان بر ادعای احمد بصری در جهت انکار حجیت معجزه، مطرح کرد.

۴. در گفتار منصور هاشمی خراسانی تناقضی وجود دارد. وی در قسمتی از کلماتش مدعی می گردد که نباید از او درخواست معجزه کرد و لذا معجزه را راهی برای شناخت خود ندانسته است؛ اما در گفتاری دیگر مدعی است که «خراسانی» با معجزه شناخته شده و یکی از آن معجزات را «کف دستی در آسمان» نامیده است. افزون بر این تناقض، منصور هاشمی، مدعی است که یازده امام پیش از حضرت مهدی علیه السلام، هرگز ادعای داشتن معجزه نکرده اند. این سخن با توجه به روایاتی که بر لزوم ارائه معجزه توسط ائمه علیهم السلام دلالت دارد، در تعارض است و در بیان روایات آمده است که معجزه راه شناختی در صورت فقدان نص نیست، بلکه همزمان با نص می توان از آن بهره برد.

سخن دیگر منصور هاشمی خراسانی که گمان کرده است هیچ یک از اهل بیت علیهم السلام اثبات حقانیت خود را با معجزه و ارائه کرامات پیش نبرده؛ اشتباه دیگری است که با مستندات تاریخی سازگاری ندارد. به عنوان نمونه، وی را به برخی معجزات امام رضا علیه السلام ارجاع می دهیم که آن حضرت بدان وسیله تعداد بسیاری از واقفیان را هدایت کرد. از جمله واقفیان که با دیدن آثار و معجزات حضرتش دست از توقف کشیدند، عبارتند از: عبدالرحمن بن الحجاج و رفاعه بن موسی و یونس بن یعقوب و جمیل بن دراج و حماد بن عیسی. شیخ طوسی ماجرای معجزات حضرت را برای آنان را نقل کرده است.<sup>۱</sup>

۱. طوسی، الغیبة، ص ۷۱ - ۷۲.

این مدعی معتقد است که دجال نیز دارای معجزه است؛ سخنی که با انحصار معجزه در حجج الاهی در تعارض است، و حدیثی که پیش‌تر نیز اشاره شد، حاکی از این مطلب است.<sup>۱</sup> استدلال منصور هاشمی خراسانی در عدم اعتبار معجزه به دلیل ارائه معجزه از جانب مدعیان دروغینی مانند دجال، سخنی است که دلیلی برای آن ارائه نکرده است، بلکه هیچ دلیل متقنی بر آن نمی‌توان اقامه کرد.

۶. افزون بر این‌که روایات و دلایل عقلی، به این نکته رهنمون هستند که معجزه، لطفی الاهی و مختص ولی و حجت خداست تا بتوان وی را از مدعی دروغین تشخیص داد. به تعبیر دیگر، اگر قرار باشد مدعیان دروغین نیز کاری خارق العاده و خارج از قدرت دیگران انجام دهند، اغرا به جهل رخ داده و مردم در گمراهی خواهند افتاد. از این رو، روایات نیز به این امر اشاره کرده‌اند که فلسفه معجزه برای ائمه اطهار علیهم‌السلام در اختیار داشتن راهی برای تمیز دادن حجت حق از مدعی دروغین است.<sup>۲</sup>

اعتقاد وی مبنی بر این‌که دلیل اعطای معجزه به دجال توسط خداوند، شناخت مؤمنان است نیز باطل است؛ چرا که لازمه این قول نقض غرض است و توضیح آن این است که خداوند برای شناخت حجت‌های خودش، مقابل خلق خود راهی قرار داده و چنین مقدر کرده است که جز حجت‌های فرستاده شده از سوی خودش، کسی نتواند از این راه وارد شود، تا مسئله هدایت مردم خلط نشود و آنان در امواج فتنه‌ها غرق نگردند؛ حال آن‌که با دادن این راه (معجزه) به غیر از حجت‌های خود (مثلاً دجال) سبب اعتماد مردم به فردی شده است که از جانب خودش به سمت مردم نرفته و جز گمراهی مردم هدف و غرضی ندارد و چنین عملی، ضمن این‌که نقض غرض است، قبیح و از خداوند متعال محال است. بنابراین، نمی‌توان مسئله معجزه داشتن دجال را علمی توجیه کرد و آن را صحیح دانست.

۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. همان، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۶؛ همان، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲۲؛ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲ و طوسی، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، ص ۱۶۰.

## نتیجه‌گیری

با مطالعه آیات الهی، روایات و دلایل عقلی متکلمان امامیه، به اهمیت معجزه در شناخت مدعیان و راستی آزمایی آنان پی می‌بریم و آن را مهم‌ترین دلیل بر صدق گفتار مدعی و نداشتن آن را مهم‌ترین دلیل بر دروغگویی وی می‌دانیم. این مهم در عصر ظهور و برای تشخیص حضرت مهدی علیه السلام لزوم بیش‌تری دارد و متکلمانی مانند ابن قبه، شیخ مفید و شیخ طوسی آن را مکمل «نص» وارد شده بر امامت حضرت مهدی علیه السلام برشمرده‌اند. پس از جست‌وجو در منابع بهائیت به این نکته پی بردیم که فرقه بهائیت کوشیده است طریقت شناخت توسط معجزه را منکر گردد و آن را ساخته ذهن خرافه‌گرا بداند. همچنین با مطالعه افکار و آرای فرقه‌های مدعی معاصر، قراین و شواهدی مبنی بر تأثیرپذیری آنان از بهائیت در انکار حجیت معجزه مشاهده می‌شود. در این نوشتار به وجود اشتراک مبنایی و قرابت فکری آنان اشاره شد. این، در حالی است که آیات الهی از معجزه به «بینه» و «برهان» تعبیر کرده و آن را راهی برای شناخت انبیای الهی و حجت‌های معصوم بر شمرده و روایات متعدد بر طریقت آن دلالت کرده‌اند. همچنین متکلمان امامیه دلیل عقلی اثبات‌کننده معجزه برای شناخت انبیای الهی را به شناخت ائمه دوازده‌گانه علیهم السلام سرایت داده و بر این مهم در زمانه ظهور تأکید بیش‌تری کرده‌اند. در مقابل، دیدگاه منکران طریقت معجزه، نه تنها با آموزه‌های قطعی امامیه مغایر است، بلکه دلیل بر اثبات آن وجود ندارد.

## منابع

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مكتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، تقریب المعارف، محقق، بی جا، ۱۴۱۷ق.
۳. اخوان مقدم، زهره، و دیگران، اعتبارسنجی تعاریف «معجزه» در منابع اسلامی، با محوریت قرآن کریم، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۲، سال ۵ تابستان ۱۴۰۰.
۴. حلّی، جعفر بن حسن، المسلك فی أصول الدین، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد مقدس، ۱۴۱۴ق.
۵. حلّی، حسن بن یوسف، كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، قم، ۱۴۱۳ق.
۶. \_\_\_\_\_، الألفین فی إمامة مولانا أمير المؤمنین علی بن أبی طالب عليه السلام، مؤسسة دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ق.
۷. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دار الزهراء، بیروت، بی تا.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دارالشامیة، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسن، نهج البلاغه، مؤسسة دارالهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، مكتبة الداوری، قم، ۱۳۸۵ق.
۱۱. \_\_\_\_\_، عیون أخبار الرضا، جهان، تهران، بی تا.
۱۲. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمة، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۶ق.
۱۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۳ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرین، مكتبة المرتضویة، تهران، ۱۳۷۵ش.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۶. \_\_\_\_\_، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۷. \_\_\_\_\_، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، مكتبة چهل ستون العامة و مدرستها، تهران، ۱۴۰۰ق.

۱۸. \_\_\_\_\_، كتاب الغيبة، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم، ۱۴۲۵ق.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۸.
۲۰. محمدی هوشیار، علی، توهم بازگشت، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۹.
۲۱. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران، ۱۳۸۵.
۲۲. مفید(الف)، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۳. \_\_\_\_\_، الفصول العشرة فی الغيبة، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۴. \_\_\_\_\_، اوائل المقالات، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۵. \_\_\_\_\_، المسائل الجارودية، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۶. میرسلیم، مصطفی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۷. الحسائی، ابتسام احمد محمد، جایگاه معجزه مادی در دین الاهی، بی نا، بی جا، ۱۴۰۰.
۲۸. بصری، احمد اسماعیل، عقائد الاسلام یلیه یسألونک عن الروح، بی نا، بی جا، ۱۴۳۷ق.
۲۹. گلیایگانی، میرزا ابوالفضل، الفرائد، بی نا، بی جا، بی تا.
۳۰. هاشمی، منصور، بازگشت به اسلام، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، کابل، ۱۳۹۶.
۳۱. \_\_\_\_\_، مناهج الرسول، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، بلخ، ۱۳۹۷.
۳۲. نوری، میرزا حسینعلی، ایقان، بی نا، بی جا، بی تا.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وفضلنا على ترويحى  
پژوهشنامه موعود

مجله دراسات الموعود - فصليتان علميتان السنة الثالثة - العدد ٨ - خريف وشتاء ١٤٠١

تم وبناءاً على الرسالة المرقمة ١٥٧٢٨ والصادرة بتاريخ ٢٧ / ٢ / ١٤٠١ من قبل شورى إصدار ومنح التراخيص العلمية للحوزة العلمية ترقية مجلة دراسات الموعود الفصليتين من العدد الأول وجعلها في مصاف المجلات العلمية - الترويجية .

ووفقاً للمادة الأولى من الاجتماع المرقم ٦٢٥ للمجلس الأعلى للشورة الثقافية والمنعقد بتاريخ ٢١ / ٣ / ١٣٨٧ ، تتمتع المجلات ذات الامتياز والطابع الحوزوي بنفس الامتياز والطابع الذي تتمتع به المجلات الصادرة عن وزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا .

#### هيئة التحرير (حسب الحروف):

**الهى نجاد، حسين** (أستاذ مساعد فى معهد العلوم والثقافة الإسلامية).

**بهروزى لك، غلام رضا** (أستاذ فى جامعة باقر العلوم فى قم).

**سليمانى بهبهانى، عبد الرحيم** (أستاذ فى الحوزة العلمية فى قم).

**شاكرى زواردهى، روح الله** (معيد فى جامعة طهران برديس فارابى).

**صفرى فروشانى، نعمة الله** (أستاذ فى جامعة المصطفى العالمية).

**عرفان، أمير محسن** (أستاذ مساعد فى كلية العلوم والمعارف الإسلامية فى قم).

**كلباسى، مجتبى** (أستاذ فى الحوزة العلمية فى قم).

**مروجى طبسى، نجم الدين** (أستاذ فى الحوزة العلمية فى قم).

**يوسفیان، مهدي** (فاضل حوزوى، مدير معهد الدراسات والبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء).

#### صاحب الإمتياز:

معهد الدراسات للبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء.

مركز المهدوية التخصصى التابع للحوزة العلمية فى قم.

#### المدير المسؤؤل:

حجة الإسلام والمسلمين مجتبى الكلباسى

#### رئيس التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين مهدي يوسفیان

#### المدير الإجرائى والتنفيذى وسكرتير التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين السيد على الكاظمى

#### المحرر:

ابوالفضل عليدوست

#### مترجم اللغة الإنجليزية:

حجة الإسلام والمسلمين حميد سعادت

#### مترجم اللغة العربية:

ضياء الزهاوى



عنوان مكتب المجلة: شارع الشهداء (صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصى، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا. رقم الهاتف: ٠٢٥٣٧٨٤١٤١٠؛ رقم الفاكس: ١٢٥٣٧٧٣٧١٦٠؛ الصندوق البريدى: ٣٧١٣٥١١٩

البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com

الموقع المجلة: www.mouoodmag.ir

قناة افتراضية: @mahdaviatmag

الشابا: ٢٧١٧-٠٢٤١

سعر المجلة: ٢,١٠٠,٠٠٠ ريال